



## نقدی بر کتاب «روش‌های تحقیق در اسناد و مدارک نهج البلاغه» محمد دشتی

امیرحسین بانکی‌پور فرد<sup>۱\*</sup> و مختار رنجکش آدرمنابادی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۱۰

### چکیده

نهج البلاغه کتابی حدیثی با متنی مرسل است. ارسال روایات موجود در نهج البلاغه، باعث تشکیک در صحت انتساب آن به امام علی (ع) شده و به همین جهت، برخی از دانشمندان شیعی با استخراج بعضی از مدارک و مصادر، به این شبهه، پاسخ داده‌اند. این آثار در عین ارائه برخی از مصادر، از اشکال یا خطا نیز مصون نبوده‌اند. در این تحقیق با توجه به شهرتی که آثار مرحوم دشتی در زمینه نهج البلاغه دارد، به نقد کتاب «روش‌های تحقیق در اسناد و مدارک نهج البلاغه» ایشان با روش اسنادی و تحلیلی پرداخته شده است. نتایج پژوهش حاکی از این است که این اثر در عین برخورداری از برخی نوآوری‌ها، دارای اشتباهات و مشکلاتی نیز هست؛ نقل بدون بررسی از دیگر کتب، علمی نبودن شیوه استخراج اسناد و نوع مصادر انتخابی، تداخل بین «نسخه‌شناسی» با «سندشناسی» و ارجاع به برخی «شروح نهج البلاغه»، استناد به آثار متأخرین به‌عنوان سند، دور در برخی مصادر، عدم بررسی کامل منابع موجود و بی‌نظمی در بیان مصادر، همگی از جمله نقاط ضعف این کتاب است که در پژوهش حاضر به دست آمده و لزوم اصلاح این کتاب و نیز تلاش بیشتر در کشف و استخراج سایر مصادر را مبرهن می‌گرداند.

**کلیدواژه‌ها:** اسناد نهج البلاغه، مصادر، محمد دشتی، نهج البلاغه.

۱. استادیار گروه معارف قرآن و اهل بیت (ع)، دانشگاه اصفهان.

۲. کارشناس ارشد نهج البلاغه، دانشگاه اصفهان.

\*: نویسنده مسئول

## ۱. مقدمه

کتاب ارزشمند نهج‌البلاغه که با همت والای سید رضی جمع‌آوری گردیده است، در صدد بوده تا جلوه‌ای از عظمت شخصیت امیرالمؤمنین(ع) را از لحاظ فصاحت و بلاغت نشان‌گر باشد (سید رضی، ۱۴۱۴: ۳۴) و به حق در این مسیر، موفق شده و خوش درخشیده است. سید رضی در جمع‌کردن سخنان بلیغ و فصیح، کلمات امام را بدون ذکر اسناد آورده است و به‌جز در ۱۷ مورد - به‌صورت اجمالی - به‌راوی یا سندی اشاره نکرده و سلسله راویان حدیث‌های منتخب را حذف کرده است (طالقانی، ۱۳۷۴: ۲۰). حذف اسناد و راویان در این کتاب، به هر دلیل و نیتی بوده باشد، به هر حال باعث شده گروهی، در برخی از برهه‌های زمانی، به تشکیک در صحت انتساب این سخنان به امیرالمؤمنین بپردازند و باب شک و تردید را بگشایند. پاسخ‌گویی به شبهه بی‌سند بودن نهج‌البلاغه، با کشف و ثبت مصادر نهج‌البلاغه آغاز شد که غنای بیشتری به نهج‌البلاغه داد. به تعبیر شهید مطهری: «خاصیت حقیقت همین است که شک و تشکیک به روشن شدن آن کمک می‌کند» (مطهری، ۱۳۸۷: ۱۹۶۱)؛ بنابراین «تشکیک در زمینه اسناد نهج‌البلاغه با هر نیتی که صورت گرفته، خود برکت‌زا بوده و موجب شده است تا در زمینه شناسایی اسناد و مدارک نهج‌البلاغه تحقیقات ارزشمندی صورت گیرد» (معارف، ۱۳۸۸: ۲۱۲).

## ۱-۱. بیان مسئله

شاید بتوان گفت امروزه مسأله اسناد نهج‌البلاغه، از جنبه دفاعی و پاسخ به دشمنان خارج شده و جلوه‌ای علمی به‌خود گرفته است که نیازمند تلاش‌های بیشتر در این زمینه است تا با کشف مصادر دقیق‌تر و رفع نقایص کارهای پیشینیان، آن را به حد رشد و کمال لازم برساند. در این راستا و هم‌زمان با کشف مصادر و منابع دقیق، رفع نقاط ضعف مجموعه‌های اسنادی، با توجه به این‌که گاهی نقش مرجع برای دیگر تحقیقات و پژوهش‌ها را دارند، تلاشی لازم و ضروری است تا هم از خدشه بر ساختار علمی سندها و مصادر یافت شده جلوگیری شود و هم از انتشار مصادر نامعلوم یا اشتباه، پرهیز گردد.

کتاب «روش‌های تحقیق در اسناد و مدارک نهج‌البلاغه» محمد دشتی، از جمله آثاری است که در دوران معاصر، در زمینه کشف و استخراج مصادر و اسناد نهج‌البلاغه تلاش‌های فراوانی کرده و برای بسیاری از آثار پس از خود، محل مراجعه است. این کتاب، علیرغم تلاش‌های شایسته تقدیر نویسنده، خالی از اشکال و نقد نبوده و دچار ضعف‌هایی می‌باشد و گاهی مشاهده می‌شود در دیگر آثاری که به اسناد نهج‌البلاغه مرتبط هستند، برخی از این ضعف‌ها و اشکالات رسوخ کرده است؛ لذا این مقاله بر آن

۱. روش سید رضی حذف اسانید کلمات بوده است و در اندک مواردی نیز که اشاراتی شده است، به‌صورت یکسان عمل نشده است. ایشان در برخی موارد فقط به ذکر ۱ یا ۲ راوی بسنده کرده و آن را از امام نقل می‌کند. مثلاً در ابتدای خطبه ۱۸۲ آمده است: «رَوَى مُسْعَدَةُ بْنُ صَدَقَةَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (ع) أَنَّهُ قَالَ ...» (سید رضی، ۱۴۱۴: ۱۲۴) یا در مواردی، نام کتاب و نویسنده را یادآور شده است و به سند او ارجاع داده است: «وَرَوَى ابْنُ خَرِيرٍ الطَّبْرِيُّ فِي تَارِيخِهِ: عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي لَيْلَى الْفَقِيهِ ...» (همان: ۵۴۱) یا «ذَكَرَهُ أَبُو جَعْفَرٍ الْإِسْكَافِيُّ فِي كِتَابِ الْمَقَامَاتِ فِي مَنَاقِبِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ...» (همان: ۴۴۵) همچنین ظاهراً فقط در یک مورد، سند را نسبتاً کامل بیان می‌فرماید: «رَوَى دَعْلَبُ الْبَمَائِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ فُتَيْبَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مَالِكِ بْنِ دَخِيَةَ قَالَ: كُنَّا عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) ...» (همان: ۴۶۴).

است تا پس از بیان اجمالی نقاط قوت کتاب آقای دشتی، به این پرسش پاسخ دهد که: چه نقدهایی بر شیوه نگارش اسناد در این کتاب وجود دارد و ضعف اسناد و منابع مذکور در آن چیست؟ به دیگر سخن، در پژوهش حاضر، ضعف‌های موجود در کتاب «روش‌های تحقیق در اسناد و مدارک نهج البلاغه» نشان داده می‌شود تا چراغ راهی برای پژوهش‌های بعدی باشد.

### ۱-۲. پیشینه پژوهش

درباره اصل موضوع کشف مصادر نهج البلاغه، کارهای علمی بسیاری صورت پذیرفته است. علاوه بر برخی از شرح نهج البلاغه که به این امر همّت گماشته‌اند، کتاب‌های مستقلی هم در این زمینه تدوین شده‌اند که از آن جمله است: «مدارک نهج البلاغه و دفع الشبهات عنه» از سید هادی کاشف الغطاء، «مصادر نهج البلاغه و آسانیده» اثر سید عبدالزّهراء حسینی خطیب، «استناد نهج البلاغه» از امتیاز علیخان عرشی، «مصادر نهج البلاغه» نوشته سید هبه الدین شهرستانی، «مصادر نهج البلاغه» از عبدالله نعمه، «بحثی کوتاه پیرامون مدارک نهج البلاغه» نوشته رضا استادی و کتاب «روش‌های تحقیق در اسناد و مدارک نهج البلاغه» از محمد دشتی که محور پژوهش حاضر قرار گرفته است.

در راستای نقد و بررسی اسناد مطرح شده برای نهج البلاغه در کتاب آقای دشتی، این چند اثر قابل توجه‌اند: یکی کتاب «پژوهشی در اسناد و مدارک نهج البلاغه» از سید محمدمهدی جعفری که در آن درباره کتاب «روش‌های تحقیق در اسناد و مدارک نهج البلاغه» آقای دشتی، فقط اشاره شده که به‌خاطر وجود پاره‌ای از اشکالات، استفاده کامل از آن مشکل است (جعفری، ۱۳۷۲: ۱۷) و دیگری کتاب «پژوهشی نو در اسناد نهج البلاغه» از وحید سبزیان پور و فرزانه فتاحیان و نیز مقاله ایشان به نام «نگاهی تازه به اسناد حکمت‌های نهج البلاغه» که برخی از مصادر مطرح شده در کتاب استناد نهج البلاغه ذیل حکمت‌ها، به‌صورت مختصر نقد شده است (سبزیان پور و فتاحیان، ۱۳۹۲: ۱۹-۳۸).

مقاله حاضر، نقدهای وارد بر کتاب آقای دشتی را به‌صورت مبسوط و دقیق‌تر با ذکر نمونه‌ها و مصادیق، بررسی کرده است که در آثار فوق‌الذکر این‌گونه نیست و علاوه بر نقد برخی از اسناد و مصادر، نقدهایی نیز بر شیوه انجام کار در این کتاب داشته و لزوم اصلاح کتاب «روش‌های تحقیق در اسناد و مدارک نهج البلاغه» توسط مرجعی ذی‌صلاح را نشان می‌دهد.

### ۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

آنچه نقد و بررسی دقیق‌تر منابع و مصادر مطرح درباره نهج البلاغه را در آثار پیشین ضروری می‌کند، چند مسأله است: ۱. برخی از مصادر مطرح شده در آثار گذشته، ناقص بوده و فقط در حد یک اشاره و عنوان کتاب، بیان شده‌اند که باید تکمیل شود؛ ۲. با استفاده از ابزارهای جدید جستجوگر و به‌ویژه نرم‌افزارهای الکترونیکی، با سرعت و دقت بیشتر به منابع و مصادر جدیدی می‌توان دست یافت؛ ۳. از نشر مدارک ناقص یا اشتباه که موجب سوء ظن‌ها و تهمت‌های ناروا در مجامع علمی می‌گردد، ممانعت می‌شود. در پژوهش حاضر، هدف و ضرورت سوم محل توجه خاص قرار گرفته است؛ زیرا تکمیل مستندات

بدون حذف استنادهای اشتباه یا ناقص پیشین، کارآمدی و استحکام لازم را نخواهند یافت؛ لذا در این راستا، شیوه و نوع کاری که دربارهٔ سندهای مطرح شده در کتاب آقای دشتی انجام شده و ناظر به بسیاری از مستندات مطرح در کتاب «مصادر نهج‌البلاغه و اسانیده» از سید عبدالزهره حسینی خطیب بوده است، مورد بازبینی و نقد قرار خواهند گرفت. روش کار بدین صورت است که ابتدا به نقد و بررسی برخی از شیوه‌های انجام کار در این کتاب پرداخته می‌شود و سپس برای نمونه، مدارک مطرح در چند خطبه، به صورت مختصر و ذیل هر خطبه، نقد و بررسی خواهند شد تا ضرورت این پژوهش را به صورت عملی عیان کند.

## ۲. معرفی اجمالی محمد دشتی

آقای محمد دشتی (۱۳۳۰-۱۳۸۰ ش) از جمله فرهیختگانی است که عمر خویشتن را صرف تعلیم و تعلم در علوم اسلامی نمود و در این راستا در حوزهٔ نهج‌البلاغه، زحمات فراوانی را متحمل شده و آثار مفیدی را برجای گذاشت؛ به حدی که به «دشتی نهج‌البلاغه» شهرت یافت (اخوی، ۱۳۸۴: ۱۱۴).

او که در یکی از روستاهای محمودآباد شمال به دنیا آمد، پس از طی دوران ابتدایی، به جهت علاقه به علوم حوزوی، ابتدا وارد حوزهٔ علمیه امل شد و سپس به قم هجرت نمود. وی در قم از محضر بزرگان حوزهٔ علمیه بهرهٔ وافری برد و پس از کسب علم، برای نشر معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) دست به تحقیق و تألیف زد؛ به گونه‌ای که از ایشان بیش از صد و ده جلد کتاب و پنجاه مقاله باقی مانده است. کتاب «روش‌های تحقیق در اسناد و مدارک نهج‌البلاغه» از جمله آثار وی به زبان فارسی است که چهارمین جلد از «مجموعهٔ آشنایی با نهج‌البلاغه» به شمار می‌رود و به بررسی روش تحقیق در اسناد نهج‌البلاغه می‌پردازد و در زمینهٔ مصادر و اسناد نهج‌البلاغه، مطالب سودمندی را ارائه می‌دهد.

## ۲-۱. معرفی کتاب و روش کار نویسنده

این کتاب مشتمل بر مقدمه‌ای به قلم مؤلف و هفت فصل می‌باشد. در فصل نخست، با عنوان «روش تحقیق» به موضوعاتی همچون: «ضرورت جمع‌آوری مدارک نهج‌البلاغه»، «روش نویسندگان مدارک نهج‌البلاغه»، «نقد و بررسی روش‌های پیشین در استخراج منابع» و «کیفیت کشف و شناسایی مدارک نهج‌البلاغه» پرداخته شده است. فصول دوم و سوم و چهارم و پنجم که اصل کتاب را تشکیل می‌دهد، هر کدام به صورت مجزا، به ارائهٔ اسناد و مدارک خطبه‌ها، نامه‌ها، حکمت‌ها و کلمات غریب نهج‌البلاغه اختصاص دارد. در فصل ششم به کتاب‌شناسی مصادری که مؤلف برای استخراج مدارک و اسناد نهج‌البلاغه از آن‌ها بهره برده به همراه تاریخ وفات مؤلفان کتب مذکور پرداخته شده است و در فصل هفتم هم اعلام موجود در اسناد و مدارک نهج‌البلاغه، براساس حروف تهجی، معرفی گردیده است.

نویسنده کتاب «روش‌های تحقیق در اسناد و مدارک نهج‌البلاغه» با هدف کشف و استخراج همهٔ مدارک و اسناد نهج‌البلاغه و جامعیت بخشی به کتاب خود، از همهٔ منابع روایی و ظرفیت‌ها بهره برده و

تلاش خود را برای استخراج منابع و مصادر، به زمان خاصی محدود نکرده است. همچنین سعی کرده در حین ذکر منابع، نام مؤلفان و شماره جلد و صفحه منابع را حتی الامکان به صورت دقیق ذکر کند. وی ترتیب شماره خطبه‌ها و نامه‌ها و حکمت‌ها را براساس نهج البلاغه المعجم المفهرس که با نسخه‌های زیادی تطبیق شده، رعایت کرده است.

در تنظیم صفحات و ذکر اطلاعات ثابتی مانند تاریخ وفات سید رضی، شماره‌های خطبه‌ها و نامه‌ها و حکمت‌ها در نسخ گوناگون نهج البلاغه، تلاش شده کار به صورت منظم انجام گیرد و اطلاعات مورد نیاز خواننده، در هر صفحه در دسترس باشد.

نویسنده به دلایلی مجبور شده به ذکر جمله‌های ابتدایی هر خطبه یا نامه یا حکمت اکتفا کند و جایگاه هر قسمت از کلام در منبع مذکور ذیل آن را مشخص نکرده است. وی مدعی شده که برای همه سخنان امام (علیه السلام) در نهج البلاغه، مدارک و اسناد گوناگونی را شناسائی کرده است.

کتاب «روش‌های تحقیق در اسناد و مدارک نهج البلاغه» که در این پژوهش بررسی شده است، چاپ اول این کتاب می‌باشد که در سال ۱۳۶۸ شمسی در انتشارات امام علی علیه السلام قم، با ۴۸۶ صفحه و قطع وزیری، منتشر شده است.

## ۲-۲. برخی از ویژگی‌های مثبت کتاب

«نقد»، سره را از ناسره جدا کردن است و در آن باید جنبه‌های مثبت از ضعف‌ها جدا شود؛ لذا ابتدا به بیان برخی از خصوصیات بارز و محسنات کتاب «روش‌های تحقیق در اسناد و مدارک نهج البلاغه» به صورت اختصار، اشاره می‌شود:

۱. توجه به کارهای انجام شده پیشینیان؛ چنان که در فصل اول کتاب اشاره شده (دستی، ۱۳۶۸: ۲۵) و در متن کتاب و بیان مصادر نیز این توجه و دقت نظر، مشهود است.
۲. تا حدودی به رفع برخی از عیوب و نقاط ضعف کارهای مشابه، همّت گماشته شده است (همان، ۱۵ تا ۲۲).
۳. تا حد امکان، به سال وفات نویسندگان کتاب‌های مصدري معرفی شده، توجه شده است.
۴. زبان فارسی کتاب، برای خیل عظیمی از شیعیان، کتاب را کاربردی نموده است. گرچه ترجمه آن نیز امری لازم و ضروری می‌نماید.
۵. سعی شده برای اکثر خطبه‌ها و نامه‌ها و حکمت‌ها، مصدريایی صورت گیرد.
۶. ترتیب شماره‌های خطبه‌ها و نامه‌ها و حکمت‌ها، براساس نسخه‌های مشهور قرار گرفته و اختلاف نسخ در شماره‌ها، در ابتدای هر سخن، یادآوری شده است (همان، ۲۳).
۷. حتی الامکان از شیوه یکسانی برای ارائه مصادر بهره برده است.
۸. جهت پرهیز از طولانی شدن متن، همه خطبه یا نامه ذکر نشده و فقط قسمتی از ابتدای آن بیان شده

که معلوم باشد این مدارک، مربوط به کدام کلام است (همان).  
 ۹. در این کتاب، چند نسخه خطی جزو اسناد و مدارک نهج‌البلاغه شمرده شده که عبارتند از: الف) نسخه خطی نوشته شده در سال ۴۲۱ قمری؛ ب) نسخه خطی ابن مؤدب، نوشته سال ۴۹۹ قمری؛ ج) نسخه خطی ابن راوندی که در سال ۵۷۳ قمری نوشته شده است (همان، ۲۸) و همچنین نسخه‌های شرح ابن‌ابی‌الحدید و شرح ابن میثم به‌عنوان مصادر مطرح شده است و این کار تحقیقی، پاسخ مناسبی به تشکیکی است که با استناد به جمله‌ای از سید رضی که در پایان حکمت ۴۸۰ می‌گوید: «و تقرر العزم كما شرطنا أولاً على تفضيل أوراق من البياض في آخر كل باب من الأبواب، ليكون لاقتناص الشارد، و استلحاق الوارد...» (سید رضی، ۱۴۱۴: ۵۵۹) ممکن است ایجاد شود. این‌گونه ارجاعات و بیان مصادر، راه را بر تشکیک در صحت نهج‌البلاغه موجود می‌بندد و خودبه‌خود احتمال «جعل» در نهج‌البلاغه فعلی را منتفی می‌سازد. آقای دشتی با ایجاد ارتباط دائمی و آمیختگی بین نسخه‌ها با مصادر و منابع، به‌صورت عملی و به‌صورت پیش‌دستانه، به این شبهه احتمالی پاسخ داده است.  
 ۱۰. قرارگرفتن اسامی کتب مصادر و تاریخ وفات مؤلفان آنها به ترتیب حروف تهجی در فصل ششم و ذکر مشخصات نویسندگان مصادر و اسامی و تعداد کتب آنان در فصل هفتم، از ویژگی‌های مثبت این کتاب است که هم به یکسان‌سازی تاریخ وفات نویسندگان در صورت اختلاف در متن، کمک می‌کند و هم در امر تحقیق و پژوهش، به پژوهندگان یاری می‌رساند.

### ۳. نقد روشی کتاب

محمد دشتی علیرغم تلاش وافری که در کتاب «روش‌های تحقیق در اسناد و مدارک نهج‌البلاغه» انجام داده، اما نتوانسته است کار را در حد کمال به سرانجام برساند و این اشکال، عمدتاً به روش کار او و نتیجه حاصل از این روش، بر می‌گردد. وی در فصل اول کتاب خود، شیوه‌ای را که برای تدوین این کتاب در نظر داشته و نیز چرایی انتخاب هر روش را، توضیح داده است. در ادامه به برخی از اشکالات وارد بر این شیوه و نیز نتیجه عملکرد (که همان مصادر موجود در کتاب است)، به اختصار اشاره می‌شود.

#### ۳-۱. استفاده نکردن از همه مدارک موجود

آقای دشتی در نقد کتاب «مصادر نهج‌البلاغه اسانیده» می‌نویسد:

«...۴. با همه والائی و ارزشمندبودن کار جناب سید عبدالزّهراء حسینی متأسفانه در تطبیق و استخراج مدارک از کتب ابزاری استفاده نفرموده و بسیاری از مدارک موجود را نتوانستند شناسائی نمایند. ۵- با این که روش انتخاب مدارک را به عصر و زمان مشخصی محدود نکرده‌اند اما نمی‌دانیم که چرا بسیاری از مدارک را نیاورده‌اند و از آنها غفلت فرموده‌اند» (دشتی، ۱۳۶۸: ۲۱).

این دو اشکال به خود این کتاب نیز وارد است و بسیاری از مدارک موجود، شناسایی و استخراج نشده‌اند. در حقیقت این کتاب، مجموع مصداری است که در کتاب‌های مختلف به‌عنوان مصدر هر خطبه

و نامه معرفی شده است (جعفری، ۱۳۷۲: ۱۷) و معرفی مصادر و اسناد جدید (مصادر تحقیقی، نه شروع و نسخ خطی نهج البلاغه) بسیار محدود بوده است. دلیل این سخن که امکان دسترسی به مصادر جدید و منابع دیگر نیز بوده است و این کار در کتاب آقای دشتی کامل انجام نشده، مصادری است که در کتاب‌هایی مثل «پژوهشی در اسناد و مدارک نهج البلاغه» و «پژوهشی نو در اسناد نهج البلاغه» در همین دوران معاصر، برای سخنان امام ارائه شده است؛ بنابر این به تعبیر خود آقای دشتی، «پس از بحث و بررسی کوتاه پیرامون کتب ارزشمندی که در رابطه با اسناد و مدارک نهج البلاغه تدوین گردیده‌اند، درمی‌یابیم که هنوز این راه به پایان نرسیده و باید تحقیقات گسترده و همه‌جانبه‌ای آغاز شود» (دشتی، ۱۳۶۸: ۲۱).

### ۳-۲. نقص در بیان تاریخ وفات برخی از نویسندگان کتب

از دیگر اشکالاتی که در این کتاب به کتب پیشینیان گرفته شده، بحث اشاره نشدن به سال وفات نویسندگان کتاب‌هاست (دشتی، ۱۳۶۸: ۲۲)، و این در حالی است که در این باره هم، این اشکال در مواردی همچنان باقی است، ضمن آنکه برخی از سال‌های ذکر شده، اختلاف فاحشی با سال وفات واقعی افراد دارد و باید به دقت بررسی و تطبیق شود (برخی از مصادیق این اشکال، در نقد موردی مصادر خطبه‌ها، ذکر می‌شود و در جداول پیوست، برخی از خطبه‌ها یا حکمت‌ها یا نامه‌هایی که چنین اشکالی در میان برخی اسناد آنهاست، مشخص شده است).

### ۳-۳. نقص در ارجاع‌دهی به کتب

نویسنده مدعی شده که تلاش فراوانی کرده تا نام مؤلفان و شماره جلد و صفحه کتب منابع را بنویسد (دشتی، ۱۳۶۸: ۲۴) ولی ظاهراً در عمل چنین اتفاقی نیفتاده و با این که در مواردی امکان‌پذیر بوده، این شیوه رعایت نشده است.

### ۳-۴. تداخل اسناد

نویسنده، درباره خطبه‌ها و نامه‌ها و حکمت‌هایی که معتقد به تقطیع آنها بوده، این شیوه را برگزیده که برای هر کدام از قسمت‌ها، همان منبع اصلی را که برای یک قسمت یافته، برای هر کدام به صورت جداگانه یادآور شده است (دشتی، ۱۳۶۸: ۲۷)، درحالی که این کار از جهاتی خالی از اشکال نخواهد بود: اول آن که اثبات اینکه همه تقطیع‌های مطرح شده و ارتباط‌های داده شده، درست و یقینی باشند، کار مشکلی است؛ ثانیاً برخی از انواع تقطیع نام برده شده، مانند تقطیع یک خطبه در بین سه خطبه نزدیک به هم (مانند خطبه ۳۵ و ۳۸ و ۴۱) چندان موجه نمی‌نماید. چگونه عبارت یک خطبه بین چند خطبه نزدیک به یکدیگر تقسیم شده و باعث ایجاد متن جدیدی می‌شود؟ آیا این کار خطبه‌سازی نخواهد بود؟ مگر آن که گفته شود مطلب مشابهی، در چند خطبه بیان شده که در این صورت، گذاشتن مصدر یکسان برای آن چند خطبه، پذیرفته نخواهد بود. ثالثاً محققین با مراجعه به برخی مصادر معرفی شده در ذیل عبارات

نهج البلاغه، عبارت مذکور (یا مشابه آن را) را الزاماً در آن منبع نخواهند یافت؛ چنان‌که برخی از پژوهش‌های اخیر، حاکی از این مشکل است (سبزیان پور و فتاحیان، ۱۳۹۲: ۶۴-۷۱).

### ۳-۵. دور در برخی مصادر

نویسنده در قسمتی از کتاب می‌گوید:

«برخی از فرهنگ‌های مهم جهان اسلام را با توجه به ارزش و اهمیتی که داشتند به‌عنوان مدارک و اسناد نهج البلاغه به حساب آوردیم، مانند: بحارالانوار مرحوم مجلسی و کنز العمال فاضل هندی و مستدرک وسائل الشیعه مرحوم نوری و وسائل الشیعه شیخ حرّ عاملی و...» (دستی، ۱۳۶۸: ۲۸).

استناد به کتابی همچون بحارالانوار که بیش از ۶۰۰ سال پس از کتاب مورد بحث نوشته شده و بنابر مقدمه مؤلف گرامی‌اش، یکی از منابع آن نیز همان نهج البلاغه است، (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱/۱) نشان از نوعی دور در بیان مصادر دارد. این اشکال دربارهٔ ارجاع به وسائل الشیعه (شیخ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۶۳/۱؛ ۲۵۵/۱۲؛ ۲۵۴/۱۳ و...) و مستدرک الوسائل (نوری، ۱۴۰۸: ۱۰۵/۱، ۱۱۶، ۱۳۳ و...) که گاه مستقیماً از نهج البلاغه مطلبی را نقل کرده‌اند، نیز وجود دارد.

توجیه این شیوه هم جای تأمل دارد که نویسنده دربارهٔ آن می‌گوید:

«۱- مرحوم مجلسی روات و محدثین روایات را آورده است که در مرحلهٔ دوم برای مستندنویسی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. ۲- در بحارالانوار مدارک و اسناد روایات آمده است که با تعقیب و جستجو در آدرس منابع روائی، مدارک فراوان دیگری کشف خواهند شد. [...] ۴- نوعاً در نقل روایات بحارالانوار، اختلاف نسخه‌ها نیز آمده است که در نتیجه‌گیری‌ها نقش مهمی دارد. ۵- مرحوم مجلسی تنها به نقل روایات بسنده نمی‌کند، بلکه ابتدا لغات آن را شرح و ترجمه نموده آن‌گاه به تفسیر و ارزیابی می‌پردازد» (دستی، ۱۳۶۸: ۲۸ و ۲۹).

علامه مجلسی (ره) و نیز شیخ حرّ عاملی و دیگران، روات و محدثین را حتی‌الامکان ذکر کرده‌اند، اما دربارهٔ نهج البلاغه غالباً اینگونه نیست و در بسیاری از موارد، مستقیماً به خود نهج البلاغه ارجاع داده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۵/۱، ۱۵۹، ۱۸۲، ۱۹۶، ۲۱۸، ۲۲۲؛ ۳۶/۲، ۵۶، ۸۱، ۹۹ و...); بنابراین همهٔ روایات این کتاب‌ها، دارای سند و روای نیستند. روایات بحارالانوار در صورت اختلاف، در مواردی که از نهج البلاغه نقل شده باشد، گاهی فقط ناشی از اختلاف نسخه است (همان: ۱۶۰/۲، ۲۴۵؛ ۵۴۲/۲۲؛ ۱۰۰/۸۸ و...); چنان‌که در وسائل الشیعه (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۷۲/۱؛ ۲۵۴/۳؛ ۱۲۷/۱۴ و...) و مستدرک الوسائل (نوری، ۱۴۰۸: ۱۰۵/۱؛ ۷۲/۲؛ ۳۳۱/۳ و...) نیز مواردی این‌گونه به چشم می‌آید. در صورتی هم که این مصادر از منبعی دیگر با ذکر راویان نقل شده بودند، لازم می‌نمود که به همان مصادر مراجعه شود یا در صورت عدم دسترسی، نقل با واسطه صورت گیرد، نه اینکه بحارالانوار تألیف شده در حدود سال ۱۱۰۰ ق، منبع و مصدر خطبه معرفی شود.

شرح و تفسیرهای علامه مجلسی دربارهٔ عبارات نهج البلاغه، غالباً ناظر به متن عبارت‌هاست (انصاریان، ۱۳۶۶)، نه اسناد آنها و شرح واژگان و تفسیر عبارات، معمولاً ارتباطی با اسناد و مصادر آن



عبارات پیدا نمی‌کند.

### ۳-۶. توجیه ارجاع به کتب متأخر

نویسنده خود اشاره کرده که «منابع روایی، تاریخی پس از سید رضی نمی‌توانند به‌عنوان کتب مرجع و اسناد و مدارک نهج‌البلاغه مطرح شوند» (دشتی، ۱۳۶۸: ۲۹) و سپس در ادامه بیان داشته:

«با توجه به سیستم زندگی بسته قرن ۴ و ۵ و بعد از آن و اختلاف گوناگون در نقل روایات نهج‌البلاغه، به این نتیجه می‌رسیم که محققان و نویسندگان متون روایی، منابعی غیر از منابع سید رضی در اختیار داشته‌اند و از نهج‌البلاغه نقل نکرده یا اصلاً نهج‌البلاغه را ندیده بودند، دروغا که آن همه از منابع و اسناد در حوادث ناگوار ایام از بین رفته و به‌دست ما نرسیده‌اند» (دشتی، ۱۳۶۸: ۲۹).

این‌که بسیاری از منابع اولیه، در این دو قرن به دلایل گوناگون نابود شده‌اند، حرف صحیحی است، اما اینکه محققان و نویسندگان متون روایی، نهج‌البلاغه را ندیده باشند، حرفی بدون سند است. و نگاهی تحلیلی به تاریخ، مطالب دیگری را می‌رساند؛ زیرا اولاً حکومت شیعی آل بویه تا حدود ۴۰ سال پس از وفات سید رضی ادامه داشته است (حدود سال ۴۴۸ ق) (قدیانی، ۱۳۸۷: ۳۵) و همین مدت، کافی است تا کتابی مانند نهج‌البلاغه نشر یابد و منتشر شود. وقتی کتابی مانند خصائص الائمه سید رضی در مدت کوتاهی نشر یافته و در پی آن دوستانشان درخواست تألیف کتابی مستقل را داشته‌اند (که به جمع‌آوری نهج‌البلاغه منتهی شده است) چگونه می‌توان پذیرفت که انتشار گسترده‌ای از نهج‌البلاغه، صورت نگرفته باشد؟ ضمن آن‌که شریف مرتضی، برادر شریف رضی، علاوه بر علاقه وافر به برادر که در تاریخ مذکور است (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۲۶۲/۹)، از چنان قدر و منزلتی در اجتماع و حکومت برخوردار بود که این کتاب مهم را به‌سرعت منتشر ساخت؛ چنان‌که پس از سید رضی، برخی او را اولین شارح نهج‌البلاغه نامیده‌اند (عطاردی، ۱۳۶۴: ۲۷۸) و او اجازه روایت نهج‌البلاغه را به شاگردان خود می‌داده است (خطیب، ۱۳۶۷: ۲۰۶/۱). وجود نسخه‌های خطی متعدد از نهج‌البلاغه در کمتر از دویست سال بعد از سید رضی (ن.ک: همان) خود گواهی بر نشر مکرر این کتاب است. به هر حال تحلیل تاریخ نشان می‌دهد که نهج‌البلاغه، در مدت اندکی توانسته است از حدّ یک کتاب تک‌نسخه‌ای درون قفسه‌های کتابخانه شخصی خارج شده و با سرعت به بیرون نشر پیدا کند. چنان‌که علامه امینی در الغدير سخن از کسانی به‌میان آورده است که در دوران نزدیک به حیات مؤلف، در شمار حافظان این کتاب به‌شمار آمده‌اند (امینی، ۱۴۱۶: ۲۵۶/۴).

آن‌چه نویسنده بیان داشته که نقل‌های گوناگون، نشان از مصادر گوناگون دارد، مطلب مسلمی است، زیرا خود سید رضی نیز در نهج‌البلاغه گاهی دو یا سه نقل را درباره یک روایت آورده است (مانند خطبه ۴۰) ولی توجیه‌گر این شیوه که برای بیان اسناد و مصادر، به منابع پس از سید رضی ارجاع داده شود، نخواهد بود.

تنها، استناد به کتاب‌هایی که با فاصله زمانی اندکی پس از سید رضی نوشته شده است، پذیرفتنی است، زیرا می‌توان مطمئن بود که مصدرهایی غیر از نهج‌البلاغه داشته است (جعفری، ۱۳۷۲: ۱۵)، ولی برای غیر آن، نمی‌توان چنین حکم کرد.

### ۳-۷. عدم رعایت نظم تاریخی

گرچه دشتی طبقه‌بندی ویژه‌ای برای دوران‌های مهم و سرنوشت‌ساز مدارک و اسناد نهج‌البلاغه ذکر نموده است (دشتی، ۱۳۶۸: ۳۵)، ولی اثر خاصی از این تقسیم‌بندی در حین بیان مصادر مشاهده نمی‌شود. ضمن آن که در بیان مصادر نیز، نظم منطقی وجود ندارد.

### ۳-۸. عدم تفکیک بین «نسخه‌های» نهج‌البلاغه با «مصادر»

نویسنده بیان داشته:

«چون ۳ نسخه خطی سال ۴۲۱ هجری و سال ۴۹۹ هجری (نسخه ابن مؤدب) و سال ۵۷۳ هجری (نسخه قطب راوندی) را به‌عنوان اسناد و مدارک نهج‌البلاغه انتخاب کرده‌ایم می‌بایست آدرس آنها در پای تمام خطبه‌ها و نامه‌ها و حکمت‌ها نوشته شود، اما جهت اختصار فقط در مواردی که اسناد و مدارک خطبه یا نامه یا حکمتی کم بود، آورده‌ایم.» (دشتی، ۱۳۶۸: ۴۵ و ۴۶)

اولاً بین «منابع» یک خطبه با «اسناد» آن و نیز «نسخه‌ها»، باید تفاوت قائل شد و نسخه‌های مختلف یک کتاب، نمی‌تواند به‌عنوان مصادر مستقل آن بیان شود؛ مگر آنکه برای اثبات صحّت نسخه‌ای دیگر به کار گرفته شود که درباره سندبایی‌ها و منابع نهج‌البلاغه، مصداق و کاربردی ندارد؛ یا مصداقی از مصادر و اسناد جدید (غیر از نقل مستقیم از نهج‌البلاغه) باشد؛ چنان که در شرح منهج البراعه راوندی برای خطبه اول و دوم و برخی دیگر از خطبه‌ها، سند مستقلاً نقل شده است (راوندی، ۱۳۶۴، ۱۰۷/۱). ثانیاً غرض در این کتاب و سایر کتب تحقیقی در این زمینه، کشف مصادر و اسناد عبارات نهج‌البلاغه است یا پر کردن فضای ذیل عبارات که برای مصادر گذاشته شده است؟ این سخن که هر جا مدرکی کم بود این کتاب‌ها (نسخ خطی و شروح) استفاده شود، گفتاری دور از رفتار علمی و پژوهشی است! این شیوه و نگرش، هم باعث خدشه به سایر مصادر یافت شده می‌شود و هم وجهه علمی کار را زیر سؤال می‌برد. ثالثاً بهتر بود برای بهره‌بردن از ارجاعاتی که برخی از شروح می‌دهند و مدرک و سندی برای عبارت نهج‌البلاغه را ذکر می‌کنند (غیر از نقل مستقیم از نهج‌البلاغه)، قسمت جداگانه‌ای در نظر گرفته شود.

### ۳-۹. تکرار نام برخی کتاب‌ها

نویسنده در توجیه تکرار کردن نام یک کتاب می‌نویسد: «گاهی نام یک کتاب مثل بحارالانوار، خصال، الاستیعاب، النهایه تکرار شده است که این تکرار به‌علت وجود مکرر آن خطبه در مجلدات مختلف می‌باشد.» (دشتی، ۱۳۶۸، ۴۶) با این روش، اگر در مجموعه‌ای مانند بحارالانوار یک خطبه در هر جلد تکرار شده باشد، بیش از صد منبع محاسبه می‌شود! تکرار عناوین یک کتاب وقتی می‌تواند ارزشمند به حساب آید که مصادر مختلفی در هر مجلد بیان شده باشد. در صورتی که در غالب تکرارها، چنین نیست. علاوه بر این، تکرار نام کتاب‌ها، نظم خاصی ندارد و با فاصله، نام یک کتاب (مجلدات مختلف آن) چندمرتبه تکرار شده است که باعث می‌شود بی‌جهت بر حجم کتاب افزوده شود.

### ۳-۱۰. مدارک از پیش تعیین شده

آقای دشتی بدون آنکه بخواهد به دنبال مصدري برای کلمات موجود در نهج البلاغه بگردد، پیشاپیش به تعبیر خود، ۶ مصدر برای هر سخنی، یافته است:

«لازم بود که آدرس شرح ابن میثم بحرانی و ابن ابی الحدید را در همه جا می‌آوردیم اما جهت رعایت

اختصار از آن صرف نظر نمودیم که با توجه به ۳ نسخه خطی گذشته هر یک از کلمات امام علیه اسلام

دارای ۶ مدرک مستقل می‌باشد.» (دشتی، ۱۳۶۸: ۴۶)

البته مجموع شرح ابن میثم و ابن ابی الحدید و سه نسخه خطی، ۵ مدرک می‌شود. مهم‌تر آنکه، این مدارک گرچه از لحاظ نویسندگان و بازه زمانی دارای استقلال هستند، اما چون شرح یک کتاب و نسخ خطی همان کتاب می‌باشند، نمی‌توان آن را مدرک مستقل برای سند برشمرد (مگر آنکه در آنها مدرک مستقلی برای عبارات ذکر شده وجود داشته باشد و این موارد فقط در شروح و آن هم به صورت محدود وجود دارد؛ مانند ذکر سند برای خطبه ۱ در شرح راوندی (راوندی، ۱۳۶۴: ۱۱۵/۲)؛ ضمن آنکه برای لزوم و اصرار وی بر وجود حداقل ۶ مدرک مستقل، نیز توجیهی به دست نیامد.

### ۴. بیان شواهدی از نقدهای بیان شده

پس از آن که تعدادی از اشکالات مطرح در شیوه انجام کار کتاب «روش‌های تحقیق در اسناد و مدارک نهج البلاغه» بیان شد، اینک به صورت مصداقی به بررسی برخی از اسناد ارائه شده و شیوه بیان آنها،<sup>۲</sup> پرداخته می‌شود (شواهد مطرح شده، در جامعه آماری ۵۰ خطبه، ۲۰ نامه و ۳۰ حکمت به صورت اختصاری و در جدول‌های اول تا سوم، به پیوست آمده است).

ضمناً یادآوری می‌شود که مصادر منتخب در خطبه‌های مذکور، برای نشان دادن مصادیقی از خطاهای منطقی و علمی هستند که باید در تهذیب آنها همّت گماشته شود.

#### ۴-۱. خطبه ۱

اسناد و مدارک خطبه ۱:

«۱- عیون المواعظ و الحکم: واسطی (در سال ۴۵۷ هجری نوشته شد) ۲- بحار الانوار ج ۷۷ ص ۳۰۰ و ۴۲۳: مرحوم مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ هجری) ۳- ربیع الابرار (باب السماء و الکواکب): زمخشری (متوفای ۵۳۸ هجری) ۴- شرح نهج البلاغه ج ۱ ص ۲۲: قطب راوندی (متوفای ۵۷۳ هجری) ۵- تحف العقول: ابن شعبه حرانی (متوفای ۳۸۰ هجری) ۶- اصول کافی ج ۱ ص ۱۴۰، ۱۳۸: مرحوم کلینی رازی (متوفای ۳۲۸ هجری) [...] ۲۰- کتاب البده و التاريخ ج ۱ ص ۷۴: مقدسی (متوفی ۳۵۵ هجری) ۲۱- بحار الانوار ج ۴ ص ۳۲ و ۴۴ و ۵۳ و ۵۴: مرحوم مجلسی (متوفی ۱۱۱۰ هجری) ۲۲- کتاب محاسن: علامه برقی

۱. جهت پرهیز از تفصیل، همه خطبه‌ها و نیز همه مصادری که استاد دشتی ذیل این خطبه‌ها آورده‌اند، ذکر و نقد نشده است، بلکه معمولاً نمونه‌هایی به عنوان جامعه آماری مطرح شده که اشکالات عمومی را به صورت عینی نمایان سازد؛ و قسمت‌های محذوف در بین مصادر نیز با [...] مشخص شده‌اند.

(متوفی ۲۷۴ هجری) ۲۳- بحارالانوار ج ۴ ص ۲۴۷ و ۲۸۵ و ۳۰۴ و ۳۲ و ۴۴ و ۵۲ و ۵۳ و ۵۴: مرحوم مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ هجری) ۲۴- بحارالانوار ج ۱۱ ص ۶۰ و ۱۲۲ و ج ۱۶ ص ۲۸۴: مرحوم مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ هجری) ۲۵- بحارالانوار ج ۵۴ ص ۱۷۶ و ج ۶۰ ص ۲۱۲ و ۲۶- بحارالانوار ج ۱۰ ص ۱۱۸: مرحوم مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ هجری) ۲۷- غررالاحکم ج ۳ ص ۳۰۱: مرحوم آمدی (متوفی ۵۸۸ هجری) ۲۸- غررالاحکم ج ۶ ص ۴۲۱: مرحوم آمدی (متوفی ۵۸۸ هجری) ۲۹- غررالاحکم ج ۴ ص ۳۸۹: مرحوم آمدی (متوفی ۵۸۸ هجری) ۳۰- غررالاحکم ج ۵ ص ۹۹ و ۱۰۲: مرحوم آمدی (متوفی ۵۸۸ هجری) ۳۱- بحار ج ۴ ص ۲۴۸ و ج ۵۷ ص ۱۷۸ و ج ۱۱ ص ۱۲۳ و ۶۱ طبع جدید و ج ۱۸، ۲۱۷: مرحوم مجلسی (متوفی ۱۱۱۰ هجری) ۳۲- اصول کافی ج ۱ ص ۱۳۵ و ۱۳۹ و ۱۴۱: مرحوم کلینی (متوفای ۳۲۸ هجری) ۳۳- روضه کافی ج ۸ ص ۳۱: مرحوم کلینی (متوفای ۳۲۸ هجری) «دشتی، ۱۳۶۸، ۵۱»

نقدهایی که بر گزارش این اسناد وارد است، به شرح ذیل می‌باشد:

۱. برای خطبه اول، ۳۳ منبع معرفی شده است که از آن میان، بحارالانوار ۷ مرتبه آمده که در بیشتر موارد، استنادهای علامه مجلسی (ره) به خود نهج البلاغه می‌باشد. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷۶/۵۴؛ ۲۱۶/۱۸ تا ۲۲۳؛ ۳۰۰/۷۷ و...) ضمن آن که چون خطبه ۱۷۹ با خطبه ۱، یکی انگاشته شده، همه مصادر خطبه ۱۷۹ نیز در اینجا ذکر شده است. بدون آنکه عبارات آن در خطبه ۱ موجود باشد — (همان، ۳۲/۴، ۴۴، ۵۳ و...) برخی آدرس‌ها مانند «بحارالانوار ج ۷ ص ۴۲۳» نیز اشتباه است و این آدرس، به خطبه ۷۶ مربوط می‌باشد؛ کتاب غررالاحکم ۴ مرتبه ذکر شده است که هر کدام جمله‌ای از خطبه است و سندی نیز برای عبارات مطروحه، در کتاب غررالاحکم ارائه نشده است. ضمناً باید توجه شود که خود غرر حدوداً ۱۵۰ سال بعد از نهج البلاغه تدوین شده است؛ کتاب کافی نیز ۳ مرتبه در مجلدات مختلف استناد شده که تنها عبارات یک سند آن، مشابه نهج البلاغه است.

۲. نظم تاریخی و زمانی (نسبت به تاریخ تألیف یا وفات مؤلفین مصادر معرفی شده) وجود ندارد؛ مثلاً ابتدا کتاب عیون المواعظ و الحکم لیشی واسطی که مربوط به قرن ششم است نقل شده و پس از آن، بحارالانوار که مربوط به قرن یازدهم می‌شود و سپس ربیع‌الابرار زمخشری که مربوط به اوایل قرن ششم می‌باشد، قرار دارد!

۳. برای بعضی از مصادر مانند عیون المواعظ و الحکم واسطی و محاسن برقی و تحف العقول، جلد و صفحه بیان نشده است.

قسمت‌هایی از این خطبه با اختلاف‌هایی، در تحف العقول (ابن شعبه حرّانی، ۱۴۰۴: ۶۱) آمده است. در محاسن برقی یافت نشد. برای کتاب لیشی واسطی، شماره صفحه وجود ندارد، زیرا عبارت این خطبه، مربوط به بخش ۳۰م این کتاب می‌شود که در نسخه‌های فعلی موجود نیست و آقای دشتی با استفاده از استنساخی که علامه مجلسی در بحار داشته، بدون اشاره به مصدر سخن، آن را ذکر کرده است).

۴. درباره استناد به کتاب لیثی، ایرادات ذیل وارد می‌باشد:

الف) ظاهراً نام درست کتاب لیثی، «عیون الحکم و المواعظ» است که برعکس ذکر شده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۶/۷۵؛ عبداللهی، ۱۳۸۰، ۸۵) و عنوان فعلی مذکور در مصادر، عیناً همان عنوانی است که آقای خطیب در کتاب خود، آورده است (خطیب، ۱۳۶۷: ۳۱۳/۱).

ب) نویسنده آن، در حدود قرن ششم می‌زیسته که بر اثر تشابه اسمی با دیگری، سال ۴۵۷ نوشته شده است (ن.ک: آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۸، ۳۷۹/۱۵).

ج) نویسنده کتاب عیون الحکم، نهج البلاغه را از مصادر خود معرفی کرده است (طباطبایی، ۱۴۰۶: ۶۰/۵؛ الیثی، ۱۳۷۶: مقدمه، ۱۱).

د) در نسخه‌های موجود از کتاب لیثی، عبارات خطبه اول نیست، زیرا ظاهراً خطبه اول در فصل سی‌ام این کتاب بوده که علامه مجلسی در اختیار داشته و از آن استنساخ و نقل کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۴، ۳۰۰)، ولی فعلاً مفقود شده و موجود نیست (خطیب، ۱۳۶۷: ۳۱۳/۱)؛ بنابراین ذکر آن مستقل از بحارالانوار، وجهه علمی ندارد.

#### ۴-۲. خطبه ۵

##### اسناد و مدارک خطبه ۵:

«۱- تذکره الخواص (باب السادس) ص ۱۳۷: سبط ابن الجوزی (متوفای ۶۵۴ هجری) ۲- الاحتجاج جلد ۱ ص ۱۲۷: مرحوم طبرسی (متوفای ۶۲۰ هجری) ۳- المحاسن و المساوی جلد ۲ ص ۱۳۹: بیهقی (متوفای ۹۹۶ هجری) ۴- شرح قطب راوندی ج ۱ ص ۱۴۳: ابن راوندی (متوفای ۵۷۳ هجری) ۵- نسخه خطی نهج البلاغه: نوشته ابن مؤدب سال ۴۹۹ هجری ص ۱۱ ۶- نسخه خطی نهج البلاغه: نوشته شده سال ۴۲۱ هجری ص ۱۳ ۷- نزهة الناظر ص ۱۸: حسین بن محمد حلوانی ۸- جواهر المطالب ص ۴۸: ابن مطهر حلّی (متوفای ۷۲۶ هجری) ۹- غررالحکم ج ۴ ص ۱۸۷ و ۳۵۵: مرحوم آمدی (متوفای ۵۸۸ هجری) ۱۰- غررالحکم ج ۲ ص ۹۳: مرحوم آمدی (متوفای ۵۸۸ هجری)». (دشتی، ۱۳۶۸، ۵۵)

به جز اشکالاتی که در بند ۲ از نقدهای خطبه ۱ مطرح شد، نقدهای زیر نیز بر گزارش این اسناد وارد است:

۱. آن چه در کتاب احتجاج طبرسی بیان شده است، گرچه عباراتی مشابه این خطبه دارد، ولی طبرسی در ابتدای آن متذکر شده که این متن، «نامه» امیرالمؤمنین است: «رسالة لأمریر المؤمنین ع إلى أبي بكر لما بلغه عنه كلام بعد منع الزهراء ع فدك» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۱، ۹۵)، در صورتی که متن موجود در نهج البلاغه، «خطبه» ای است که با فاصله‌ای حدود ۳ دهه ذکر شده و نمی‌تواند سند آن قرار بگیرد.
۲. نسخه خطی ابن مؤدب، نسخه خطی نوشته شده در سال ۴۲۱ دو سند خطبه ذکر شده است که بیان شد بین نسخه خطی و مصدر و منبع، باید تفکیک قائل بود.
۳. غررالحکم مانند سایر موارد، سندی برای این عبارات بیان نکرده است و صرفاً قسمت‌هایی از آن را

به صورت تقطیع شده آورده است؛ ضمن آن که استنادهای مذکور به غرر، استناد به شرح ۷ جلدی آقاجمال خوانساری بر غررالاحکم است نه اصل غرر که یک جلدی است!

۴. این خطبه، مصادر مختلف دیگری همچون کتاب نثر الدر فی المحاضرات از منصور بن الحسین الآبی (متوفی ۴۲۱ ق) «الآبی، ۱۴۲۴: ۲۲۷/۱» و تذکره الحمدونیه از ابن حمدون (متوفی ۵۶۲ ق) «ابن حمدون، ۱۹۹۶: ۹۰/۱»، نیز دارد که نشان‌دهنده آن است که همه منابع مرتبط دیده نشده است (سبزیان پور و فتاحیان، ۱۳۹۲: ۴). همچنین متن کامل آن، در کتاب مطالب السؤل ابن طلحه شافعی (متوفی ۶۵۲ ق) که از مصادر مطرح در کتاب آقای دشتی می‌باشد، آمده است (ابن طلحه شافعی، ۱۴۱۹: ۲۰۷) و نیز قسمت‌هایی از خطبه ۵، در کتاب «تثبیت دلائل النبوة» از قاضی عبدالجبار (متوفی ۴۱۵ ق) «عبدالجبار، ۱۳۸۶: ۲۸۷/۱» ذکر شده است.

#### ۳-۴. خطبه ۳۸

##### اسناد و مدارک خطبه ۳۸:

«۱- غررالاحکم ص ۹۸، ج ۳ ص ۹۳: آمدی (متوفای ۵۸۸ هجری) ۲- مطالب السؤل ج ۱ ص ۱۷۰: ابن طلحه شافعی (متوفای ۶۵۲ هجری) ۳- کتاب رسائل ص ۱۲۵: جاحظ (متوفای ۲۵۵ هجری) ۴- شرح قطب راوندی ج ۱ ص ۲۴۵: ابن راوندی (متوفای ۵۷۳ هجری) ۵- نسخه خطی ابن مؤدب: نوشته شده در سال ۴۹۹ هجری ص ۳۱ ۶- نسخه خطی نهج البلاغه: سال ۴۲۱ هجری ص ۳۴ ۷- غررالاحکم ج ۶ ص ۶۱: مرحوم آمدی (متوفای ۵۸۸ هجری)». (دشتی، ۱۳۶۸: ۷۷)

درباره اسناد و مصادر مطرح شده برای خطبه ۳۸، این نکات حائز اهمیت است:

۱. در کتاب مطالب السؤل، فقط فراز دوم خطبه، وسط یک خطبه دیگر وجود دارد! (ابن طلحه، ۱۴۱۹: ۲۰۹)؛ ولی باید توجه داشت که عبارت مطالب السؤل «فإنه لا ینجو...» است، درحالی که عبارت نهج البلاغه «فَمَا یَنْجُو...» است و این مطلب خود می‌تواند گرفته شدن این فراز را از خطبه مذکور در مطالب السؤل، با شک و تردید همراه می‌سازد.

۲. درباره استناد به رسائل جاحظ، باید توجه شود که هیچکدام از فرازهای این خطبه، در رسائل جاحظ یافت نشد! آنچه در رسائل جاحظ آمده عبارت «فَالصَّدَقُ وَ الْوَفَاءُ تَوْأَمَانُ» است (جاحظ، ۲۰۰۲: ۸۶) که آقای حسینی خطیب در مصادر نهج البلاغه در بیان مصادر خطبه ۴۱، آن را بر گرفته از نهج البلاغه دانسته است! (خطیب، ۱۳۶۷: ۴۶۰/۱) و چون فرض را بر این داشته که قسمت دوم از این خطبه و خطبه ۳۵ و ۴۱، جزء یک خطبه هستند (خطیب، ۱۳۶۷: ۴۵۳/۱) پس نتیجه حاصل شده که کتاب جاحظ نیز مصدر این خطبه خواهد بود! در صورتی که اولاً جاحظ در کتاب خود، ادعا نکرده که این عبارات از امام علی(ع) است و فقط آن را در بین کلمات حکما، بدون نام گوینده، آورده است؛ ثانیاً پیش فرض آقای دشتی در یکسان‌انگاری این خطبه با خطبه ۴۱ و ۳۵ اثبات نشده و متقن نیست و اشکالاتی بر آن است، از جمله آنکه قسمت دوم خطبه ۳۸ «فَمَا یَنْجُو مِنَ الْمَوْتِ» را فتال نیشابوری (متوفی ۵۰۸ ق) در روضه الواعظین

فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ۴۹۰/۲) نقل کرده و دنباله آن را نیز آورده است که ارتباطی با خطبه ۳۵ و ۴۱ نهج البلاغه ندارد؛ ثالثاً عبارت مطرح در خطبه ۴۱ نهج البلاغه «إِنَّ الْوَفَاءَ تَوْأَمُ الصِّدْقِ» (خطبه/۴۱) است که با عبارت جاحظ، تفاوت دارد.

۳. وجود یک عبارت یا حتی یک جمله از خطبه در برخی از این آثار، باعث شده که به عنوان مصادر نهج البلاغه معرفی شوند؛ مانند آن چه در رسائل جاحظ بیان شد! که این شیوه، بر معرفی علمی مصادر، خدشه وارد خواهد کرد.

۴. چنان که در نقدهای مربوط به اسناد خطبه ۱ و ۵ نیز مطرح شد، در بیان اسناد این خطبه هم، اشکالاتی مانند: تکرار مصدر، ارجاع به شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحکم، نام بردن از نسخ خطی و شرح نهج البلاغه به عنوان مصدر، وجود دارد.

۵. قسمت اول خطبه (از «إِنَّمَا سُمِّيَتِ الشَّيْئَةُ شَيْئَةً» تا «وَدَلِيلُهُمُ الْعَمَى») در عیون الحکم لیشی واسطی (قرن ۶) (اللیثی، ۱۳۷۶: ۱۷۹) آمده و قسمت دوم خطبه (فَمَا يَنْجُو مِنَ الْمَوْتِ...) را فتال نیشابوری (ت ۵۰۸ ق) در روضة الواعظین (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ۴۹۰/۲) نقل کرده است که نشان می‌دهد از همه ظرفیت‌های موجود استفاده نشده است.

#### ۴-۴. خطبه ۳۹

##### اسناد و مدارک خطبه ۳۹:

«...» قسمت‌هایی از این خطبه در منابع زیر آمده است ۷- الغارات ج ۱ ص ۱۰۱: ابن هلال ثقفی (متوفای ۲۸۳ هجری) ۸- بحارالانوار ج ۸ ص ۶۵۰ کمپانی: مرحوم مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ هجری) ۹- تاریخ دمشق ج ۴ ص ۸۱: ابن عساکر (متوفای ۵۷۳ هجری) ۱۰- الکامل ج ۳ ص ۱۸۰: میرد (متوفای ۲۵۸ هجری) ۱۱- کتاب موفقیات ص ۳۴۸: زبیر بن بکار (متوفای ۲۵۶ هجری) «(دستی، ۱۳۶۸: ۷۸). درباره استناد این خطبه به بحارالانوار، به جز بحث تأخیر زمانی و مسأله دور در مصادر، این نقدها باقی است:

۱. از نسخه یکسانی از بحار برای بیان مصادر استفاده نشده و آدرس‌ها از چاپ‌های مختلف آن (طبع کمپانی، چاپ دارالکتب الاسلامیه و چاپ مؤسسه آل‌البیت) آمده است.

۲. بحار را در قسمت منابعی آورده که قسمت‌هایی از این خطبه (خطبه ۳۹) را ذکر کرده‌اند، ولی با مراجعه به بحارالانوار، معلوم می‌شود که نقل موجود در بحارالانوار، نقل ناقص و قسمتی از خطبه نیست، بلکه به صورت کامل‌تر هم آمده است (ابتدا و انتهای محذوف آن نیز تا حدودی ذکر شده است) (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۴، ۳۲).

#### ۴-۵. خطبه ۴۰

##### اسناد و مدارک خطبه ۴۰:

«۱- کتاب الام: امام شافعی (متوفای ۲۰۴ هجری) ۲- تاریخ طبری ج ۶ ص ۴۱: طبری (متوفای ۳۱۰

هجری) [...]» (دشتی، ۱۳۶۸: ۷۸).

در ذکر اسناد این خطبه، ایرادی که آقای دشتی به آثار دیگر گرفته و بیان می‌کرد که در بیان اسناد، به ذکر نام یک کتاب بدون توجه به جلد و صفحه آن اکتفا شده (دشتی، ۱۳۶۸: ۲۴) همچنان باقی است؛ مثلاً برای کتاب «الام» آدرس کامل بیان نشده و فقط به اسم آن اشاره شده است و این در حالی است که کتاب الام، «۸ جلد» دارد؛ آدرس دقیق‌تر کتاب «الشافعی، ۱۴۰۳: ۲۲۹/۴» می‌باشد.

### نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با نقدی گذرا بر کتاب «روش‌های تحقیق در اسناد و مدارک نهج‌البلاغه» و بیان مصداقی از برخی مصادر مطرح شده، به نتایجی درباره این کتاب منتج گردیده که اهم آنها از این قرارند:

۱. تلاش‌های فراوانی توسط آقای دشتی برای تنظیم کتاب «روش‌های تحقیق در اسناد و مدارک نهج‌البلاغه» کشیده شده و از آثار گذشته بهره‌برداری نموده است؛ چنان‌که در رفع برخی نقایص کارهای پیشین، تلاش شده است.

۲. باوجود زحمات کشیده شده برای جمع‌آوری این کتاب، اما خالی از اشکال نبوده و توجه به این اشکالات و رفع آن نقایص، برای تهذیب و تکمیل مصادر مطرح برای خطبه‌ها و نامه‌ها و حکمت‌ها، ضروری است.

۳. برخی از نقایص و نقاط ضعف این کتاب به قرار زیر می‌باشد:

الف) شیوه مصدریابی و سندنویسی چندان علمی نیست و نمی‌توان به همه مصادر مطرح شده، اعتماد کرد. ب) نویسنده، متأسفانه گاهی فقط بیشتر در صدد زیاد نشان دادن اسناد نهج‌البلاغه بوده است، نه بررسی دقیق اسناد، لذا تصفیه این مصادر، کاری بایسته است تا از ترویج منابع اشتباه، ممانعت به عمل آید. ج) استناد به آثاری که خود آنها علناً بیان می‌کنند که به نهج‌البلاغه مراجعه کرده‌اند یا از جمله شروح نهج‌البلاغه و نسخ خطی آن هستند، کار علمی و متقنی در سندنویسی نیست و اینگونه، گاهی اسناد دچار دور می‌شود.

د) تکرار نام برخی از مصادر و استناد به چاپ‌های مختلف از یک کتاب، باعث افزایش حجم کتاب شده است.

ه) نقل بدون تحقیق همه این مصادر، برای جامعه علمی شیعی و ارائه به منتقدان یا سایر پژوهندگان، زیان‌بار خواهد بود.

و) نظم تاریخی در بیان مصادر سخنان امام(ع) وجود ندارد.

ز) درباره تاریخ حیات نویسندگان و چاپ مصادر، اشتباهات یا کاستی‌هایی وجود دارد که باید اصلاح گردد. ح) غالباً بین نقل مشابه، نقل قسمتی از متن و نقل عینی مطالب در مصادر معرفی شده، تفکیکی ایجاد نشده است و لذا گاهی از مصداری یاد شده که فقط در چندکلمه مشابهت واژگانی دارند!

۴. جهت کشف مصادر دقیق‌تر و کامل‌تر، در کنار مصادر روایی، توجه به منابع ادبی و تاریخی کهن،



راه‌گشا خواهد بود.

۵. نیاز به بازبینی مصادر مطرح شده در این کتاب برای پرهیز از انتشار مصادر اشتباه یا دارای نقص، در کنار توجه به استخراج مصادر جدید، امری لازم و ضروری است.

۶. همهٔ مصادر و اسناد نهج‌البلاغه کشف و استخراج نشده و این مسیر همچنان نیازمند تلاش‌های بیشتر علمی از سوی محققان و پژوهندگان می‌باشد.

پی‌نوشت‌ها

جدول ۱: نمونه آماری برخی از اشکالات مطرح‌شده در میان بعضی از اسناد ۵۰ خطبه اول نهج البلاغه

تکرار نام کتاب‌ها (اسناد یکسان در مجلدات مختلف)	عدم تفکیک بین «نسخه‌ها» با «مصادر»	عدم رعایت نظم تاریخی	دور در برخی مصادر	تداخل اسناد	نقص در ارجاع دهی به برخی کتب	نقص در بیان تاریخ وفات برخی نویسندگان	استفاده نکردن از همه مدارک موجود	اشکال
								خطبه
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	خطبه ۱
✓	✓	✓	✓		✓			خطبه ۲
✓		✓	✓	✓	✓		✓	خطبه ۳
✓	✓	✓	✓	✓				خطبه ۴
	✓	✓				✓	✓	خطبه ۵
		✓	✓		✓			خطبه ۶
	✓		✓					خطبه ۷
	✓	✓	✓				✓	خطبه ۸
	✓	✓	✓		✓	✓		خطبه ۹
		✓		✓	✓	✓		خطبه ۱۰
	✓	✓	✓		✓	✓		خطبه ۱۱
✓	✓	✓	✓					خطبه ۱۲
		✓					✓	خطبه ۱۳
	✓	✓			✓		✓	خطبه ۱۴
	✓	✓			✓			خطبه ۱۵
✓		✓	✓		✓	✓	✓	خطبه ۱۶
✓		✓	✓		✓	✓	✓	خطبه ۱۷
✓	✓	✓	✓			✓	✓	خطبه ۱۸
	✓							خطبه ۱۹
	✓	✓						خطبه ۲۰
		✓	✓	✓	✓	✓	✓	خطبه ۲۱
		✓		✓	✓	✓	✓	خطبه ۲۲
✓		✓	✓		✓	✓		خطبه ۲۳
	✓	✓	✓					خطبه ۲۴
				✓			✓	خطبه ۲۵
		✓		✓				خطبه ۲۶

		✓	✓	✓	✓	✓	✓	خطبه ۲۷
✓		✓	✓			✓	✓	خطبه ۲۸
		✓			✓			خطبه ۲۹
		✓	✓	✓		✓	✓	خطبه ۳۰
✓		✓	✓		✓		✓	خطبه ۳۱
		✓	✓				✓	خطبه ۳۲
✓	✓	✓	✓		✓			خطبه ۳۳
		✓	✓			✓	✓	خطبه ۳۴
		✓	✓	✓	✓	✓	✓	خطبه ۳۵
		✓	✓				✓	خطبه ۳۶
	✓	✓	✓				✓	خطبه ۳۷
	✓	✓		✓	✓			خطبه ۳۸
	✓	✓	✓		✓		✓	خطبه ۳۹
		✓	✓		✓		✓	خطبه ۴۰
	✓	✓	✓	✓			✓	خطبه ۴۱
		✓		✓		✓	✓	خطبه ۴۲
		✓	✓			✓	✓	خطبه ۴۳
				✓				خطبه ۴۴
		✓			✓	✓		خطبه ۴۵
	✓	✓				✓	✓	خطبه ۴۶
✓	✓	✓	✓		✓			خطبه ۴۷
	✓	✓	✓		✓			خطبه ۴۸
✓	✓	✓	✓		✓	✓		خطبه ۴۹
	✓	✓	✓		✓			خطبه ۵۰

جدول ۲: نمونه آماری برخی از اشکالات مطرح شده در میان بعضی از اسناد ۲۰ نامه نهج البلاغه

تکرار نام کتاب‌ها (اسناد یکسان در مجلدات مختلف)	عدم تفکیک بین «نسخه‌ها» یا «مصادر»	عدم رعایت نظم تاریخی	دور در برخی مصادر	تداخل اسناد	نقص در ارجاع‌دهی به برخی کتب	نقص در بیان تاریخ وفات برخی نویسندگان	استفاده نکردن از همه مدارک موجود	اشکال
								نامه
✓		✓	✓	✓	✓	✓	✓	نامه ۱
		✓	✓	✓	✓			نامه ۲
✓	✓	✓	✓	✓			✓	نامه ۳
	✓	✓	✓				✓	نامه ۴
	✓	✓					✓	نامه ۵
		✓			✓		✓	نامه ۶
		✓					✓	نامه ۷
✓		✓	✓				✓	نامه ۸
		✓	✓		✓	✓	✓	نامه ۹
		✓					✓	نامه ۱۰
✓		✓		✓	✓		✓	نامه ۱۱
	✓	✓	✓				✓	نامه ۱۲
✓		✓	✓	✓	✓			نامه ۱۳
		✓			✓	✓	✓	نامه ۱۴
✓		✓	✓	✓	✓	✓	✓	نامه ۱۵
	✓	✓	✓		✓		✓	نامه ۱۶
		✓						نامه ۱۷
	✓	✓				✓		نامه ۱۸
	✓	✓	✓					نامه ۱۹
		✓	✓			✓	✓	نامه ۲۰

جدول ۳: نمونه آماری برخی از اشکالات مطرح شده در میان بعضی از اسناد ۳۰ حکمت نهج البلاغه

تکرار نام کتابها (اسناد یکسان در مجلدات مختلف)	عدم تفکیک بین «نسخه‌ها» با «مصادر»	عدم رعایت نظم تاریخی	دور در برخی مصادر	تداخل اسناد	نقص در ارجاع دهی به برخی کتب	نقص در بیان تاریخ وفات برخی نویسندگان	استفاده نکردن از همه مدارک موجود	اشکال
								حکمت
✓		✓	✓	✓	✓	✓	✓	حکمت ۱
✓	✓	✓		✓			✓	حکمت ۲
✓		✓	✓	✓	✓	✓	✓	حکمت ۳
✓			✓	✓	✓	✓		حکمت ۴
✓			✓	✓	✓	✓	✓	حکمت ۵
✓		✓	✓	✓	✓	✓	✓	حکمت ۶
			✓	✓			✓	حکمت ۷
	✓	✓	✓					حکمت ۸
✓	✓	✓					✓	حکمت ۹
	✓	✓					✓	حکمت ۱۰
		✓	✓		✓	✓	✓	حکمت ۱۱
	✓	✓	✓		✓			حکمت ۱۲
✓		✓	✓				✓	حکمت ۱۳
		✓		✓				حکمت ۱۴
		✓		✓	✓	✓		حکمت ۱۵
	✓						✓	حکمت ۱۶
		✓	✓		✓		✓	حکمت ۱۷
		✓		✓	✓		✓	حکمت ۱۸
	✓	✓				✓	✓	حکمت ۱۹
			✓					حکمت ۲۰
✓		✓			✓		✓	حکمت ۲۱
		✓			✓	✓	✓	حکمت ۲۲
	✓	✓	✓				✓	حکمت ۲۳
✓	✓	✓				✓	✓	حکمت ۲۴
✓	✓	✓						حکمت ۲۵
	✓	✓	✓					حکمت ۲۶
	✓	✓	✓				✓	حکمت ۲۷
	✓	✓	✓	✓	✓		✓	حکمت ۲۸
					✓	✓	✓	حکمت ۲۹
✓		✓		✓		✓		حکمت ۳۰

## منابع

- ابن اثیر، أبو الحسن علی بن ابی الکرّم. (۱۳۸۵). **الکامل فی التاریخ**. بیروت: دار صادر - دار بیروت.
- ابن حمدون، محمد بن حسن بن محمد بن علی. (۱۹۹۶). **التذکرة الحمدونیة**. بیروت: دار صادر.
- ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴). **تحف العقول**. چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیّه قم.
- ابن طلحه شافعی، محمد. (۱۴۱۹). **مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول**. بیروت: البلاغ.
- اخوی، رضا. (۱۳۸۴). «دستی نهج البلاغه (درگذشت نویسنده توانا، استاد محمد دشتی)». **ماهنامه گلبرگ**، شماره ۶۲، ۱۱۴-۱۱۹.
- امینی، عبدالحسین. (۱۴۱۶). **الغدیر فی الکتاب و السنة و الأدب**. قم: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه.
- انصاریان، علی. (۱۳۶۶). **شرح نهج البلاغه؛ المقتطف من بحار الانوار**. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- الآبی، أبو سعد منصور بن الحسین. (۱۴۲۴). **نثر الدرّ فی المحاضرات**. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- آقا بزرگ تهرانی، محمّد محسن. (۱۴۰۸). **الدریعة الی تصانیف الشّیعه**، قم و تهران: اسماعیلیان قم و کتابخانه اسلامیّه تهران.
- آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین. (۱۳۶۶). **شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم**. چاپ چهارم، تهران: دانشگاه تهران.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۳۶۶). **تصنیف غرر الحکم و درر الکلم**. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- جاحظ، أبو عثمان عمرو بن بحر. (۲۰۰۲). **رسائل الجاحظ، الرسائل السیاسیة**. چاپ دوم، بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- جعفری، سیّد محمد مهدی. (۱۳۷۲). **پژوهشی در اسناد و مدارک نهج البلاغه**. تهران: انتشارات قلم.
- حسینی خطیب، سیّد عبدالزهرا. (۱۳۶۷). **مصادر نهج البلاغه و اسانیده**. چاپ چهارم، بیروت: دار الزهرا.
- دشتی، محمد. (۱۳۶۸). **روش‌های تحقیق در اسناد و مدارک نهج البلاغه**. قم: نشر امام علی علیه السلام.
- راوندی، قطب الدین سعید بن هبّه الله. (۱۴۰۶). **منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه**. قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی.
- رضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴). **نهج البلاغه**. تحقیق: صبحی الصالح. قم: دار الهجره.
- سبزیان پور، وحید و فتاحیان، فرزانه. (۱۳۹۲). «نگاهی تازه به اسناد حکمت‌های نهج البلاغه». **فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه**. شماره ۲، ۱۹-۳۸.
- سبزیان پور، وحید و فتاحیان، فرزانه. (۱۳۹۲). **پژوهشی نو در اسناد نهج البلاغه**. تهران: یار دانش.
- شافعی، ابی عبدالله محمد بن إدیس. (۱۴۰۳). **الأم**. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- شیخ حرّ عاملی، محمّد بن حسن. (۱۴۰۹). **وسائل الشّیعة**. قم: مؤسسه آل البيت.

- طالقانی، سید محمود. (۱۳۷۴). **پرتوی از نهج البلاغه**. پژوهش: سید محمدمهدی جعفری، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- طباطبایی، سید عبدالعزیز. (۱۴۰۶). «المتبقي من مخطوطات نهج البلاغة حتى نهاية القرن الثامن». مجلة تراثنا. جلد ۵، ۲۵-۱۰۲.
- طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳). **الاحتجاج على أهل اللجاج**. مشهد: نشر مرتضی.
- عبداللهی، محمد کاظم. (۱۳۸۰). «تقدی بر کتاب عیون الحکم و المواعظ و ذخیرة المتعظ و الواعظ». **پژوهش های نهج البلاغه**، شماره ۱، ۸۴-۹۳.
- عطاردی، عزیزالله. (۱۳۶۴). «شارحان نهج البلاغه از قرن پنجم تا هشتم»، **کاوشی در نهج البلاغه (مقالات کنگره سوم)**. تهران: بنیاد نهج البلاغه. ص ۲۷۵ تا ۲۸۶.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد. (۱۳۷۵). **روضه الواعظین و بصیرة المتعظین**. قم: انتشارات رضی.
- قاضی عبد الجبار، ابوالحسن عبدالجبار بن احمد. (۱۳۸۶). **تثبیت دلائل النیوة**. قاهره: دار المصطفی.
- قدیانی، عباس. (۱۳۸۷). **فرهنگ جامع تاریخ ایران**. چاپ ششم، تهران: انتشارات آرون.
- لیشی واسطی، علی بن محمد. (۱۳۷۶). **عیون الحکم و المواعظ**. قم: دار الحدیث.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام**. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۷). **مجموعه آثار استاد شهید مطهری**. تهران: انتشارات صدرا.
- معارف، مجید. (۱۳۸۸). **تاریخ عمومی حدیث**. چاپ دهم، تهران: انتشارات کویر.
- نوری، حسین بن محمد تقی. (۱۴۰۸). **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**. قم: مؤسسه آل البيت.